

خرید کتاب های کنکور

با تخفیف ویژه

و
ارسال رایگان

Medabook.com



مدابوک



یک جله تماس تلفنی رایگان

با مشاوران رتبه برتر

برای انتخاب بهترین منابع

دبیرستان و کنکور

۰۲۱ ۲۸۴۲۵۲۱۰





قلمرو زبانی

۱- در کدام گزینه معنای واژه‌ای نادرست است؟

- (۱) (برازندگی: لیاقت)، (زهی: آگاه باش)، (فضل: نیکویی)
 (۲) (فلک: چرخ)، (معرکه: میدان جنگ)، (ورطه: گرفتاری)
 (۳) (یله: آزاد)، (تعلل: درنگ کردن)، (پیرایه: زیور)
 (۴) (نادره: بی نظیر)، (شکن: پیچ و خم زلف)، (تیزپا: شتابنده)

۲- معنی چند واژه در مقابل آن نادرست آمده است؟

- (زهی: خوشا)، (فضل: احسان)، (فروغ: پرتو)، (عطّار: خوش بو)، (کردگار: خالق)، (پیدا کرد: خلق کرد)، (پرده: حجاب)، (شوق: آرزومند)، (عجایب: شگفتی ها)
 (۱) چهار (۲) سه (۳) دو (۴) یک

۳- معنی درست واژه‌های «افلاک، نظر، نهان، رزاق» به ترتیب در کدام گزینه دیده می‌شود؟

- (۱) سپهرها، توجه، پوشیدگی، رزق دهنده
 (۲) آسمان‌ها، عنایت، مقابل آشکار، بسیار روزی دهنده
 (۳) آسمان، عنایت، مخفیانه، روزی رسان
 (۴) گردون، دید، اختفا، پیداکننده روزی

۴- معنی چند واژه در مقابل آن درست نوشته شده است؟

- (غلغله‌زن: غوغاکنان)، (معرکه: جای نبرد)، (گلبن: بوته گل سرخ)، (شکن: پیچ و خم زلف)، (تابناک: روشنی)، (خجلی: خجالت‌زده)، (گریبان: یقه)، (پیرایه: زیور)
 (۱) چهار (۲) پنج (۳) شش (۴) هفت

۵- معنی واژه‌های «بن، خیره، زهره‌در، ورطه» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) ریشه، لجوج، موحش، هلاکت
 (۲) اصل، سرگشته، وحشت، گودال
 (۳) ته، فرومانده، ترسناک، زمین بلند
 (۴) عمق، بیهوده، هولناک، گرفتار

۶- معنای واژه «راست» در همه گزینه‌ها به جز با معنای آن در بیت زیر یکسان است.

- «راست به مانند یکی زلزله»
 (۱) مجلس او همچو بستان سلیمان است راست
 (۲) ای خوی تو ستوده و رای تو چون تو راست
 (۳) ژاله بر لاله فرود آمده هنگام سحر
 (۴) به نهاد و خو و صورت به پدر ماند راست
 «داده تنش بر تن ساحل یله»
 صف کشیده پیش او چون سرو در بستان پری
 دائم تو را به فضل و به آزادی هواست
 راست چون عارض گلگون عرق‌کرده یار
 پسر آن است پدر را که بماند به پدر

۷- معنای واژه «همسری» در کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) گزم به شعر، کسی همسری تواند کرد
 (۲) گر زند خورشید لاف همسری
 (۳) پذیرفت شاهنشاه از مادرش
 (۴) مرا با گل، خیال همسری نیست
 هر آن سخن که شنیدی ز من دروغ شمر
 با تو از روی مهت شمرمنده باد
 نهاد افسر همسری بر سرش
 هوای نخوت و نام‌آوری نیست

۸- معنای واژه «یله» در همه گزینه‌ها به جز یکسان است.

- (۱) نایستد خرد حیل‌گر به کشور عشق
 (۲) بر سر یله نهاده کلاه و نشسته تند
 (۳) از پی تیر آسمان ساخته ماه نو کمان
 (۴) تاخت دو اسبه یک تنه بر صف خصم ده دله
 چو شیر شد یله، روبه ز رخنه بگریزد
 آن حوصله که راست زان سو نگه کند؟
 تا ز کمان به بدگمان همچو یلان کند یله
 تیغ یلی به چنگ در رخس مجاهدت یله

۹- در کدام گزینه معنای واژه‌ای نادرست است؟

- (۱) (فضل: لطف و توجه)، (ورطه: مهلکه)
 (۲) (قفا: پشت)، (خیره: فرومانده)
 (۳) (فرج: گشایش در کار)، (پیرایه: آراسته)
 (۴) (نادره: بی‌مانند)، (نمط: نوع)

۱۰- در همه ابیات به جز گزینه واژه های هم خانواده به کار رفته است.

- | | |
|---------------------------------------|-----------------------------------|
| (۱) توان ز نامه من یافت اشتیاق مرا | عیار شوق به اندازه سخن باشد |
| (۲) گهی که تیغ اجل بگسلد علاقه روح | بود تعلق دل با تو هم چنان ما را |
| (۳) این زلزله بنشانند از آشوب زمانه | وان سرمه کند جرم زمین را به تزلزل |
| (۴) به خرابی چو توان گشت ز سیلاب ایمن | چه ضرور است کسی مت تعمیر کشد |

۱۱- در گروه کلمات زیر چند غلط املائی وجود دارد؟

«ورطه و مهلکه، فروغ و روشنایی، روزی هلال، صدف محقر، خصلت نیک، روش و نمط، منصوب به نیلوفر، بحر خروشنده»

- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۱۲- در کدام بیت غلط املائی وجود دارد؟

- | | |
|---|-------------------------------------|
| (۱) تو مردمی و دولت مردم فضیلت است | تنها وظیفه تو همی نیست خواب و خاست |
| (۲) از بی این سور و این شادی به خدمت آمده | مهربان نامدار از شهرهای مشتهر |
| (۳) باشد دو چیز مختلف از جود او به هم | آسایش افاضل و رنج خزینه دار |
| (۴) جام می ده به من امروز و مرا قصه مده | عمر کوتاه تر از آن است مکن قصه دراز |

۱۳- در متن زیر چند غلط املائی وجود دارد؟

«موزه خود را دادم تا مرمت کند و از شهر بیرون رویم که ناگاه در آن طرف غوغایی برخاست و وی به آن شد که در آن هنگامه برازنده گی و شایستگی خویش را در عمل نمایان کند و این نمت در اثبات آن مؤثر افتاد.»

- (۱) سه (۲) چهار (۳) دو (۴) یک

۱۴- در کدام گزینه غلط املائی یا رسم الخطی یافت نمی شود؟

- (۱) اما تقدیر و غلبه حرص و امید مرا در این ورطه افکند و پیش عقل ها حجاب تاریک بداشت و جمله در بلا بیافتادیم.
- (۲) هر که خواهد که کشتی بر خشکی راند و بر روی آب دریا اسب تازی کند بر خویشتن خندیده باشد زیرا که دور از خرد است که: گورکن در بهر و کشتی در بیابان.
- (۳) اگر کسی همه عمر به صدق دل نماز گزارد و از مال حلال صدقه دهد، چندان پاداش نیابد که یک ساعت از روز از برای حفظ مال و نفس در جهاد گزارد.
- (۴) چون مولانا رسیده، گفته است که: شیخ بسیار بزرگ است، چرا شعری باید گفت که جز معنی مجازی محملی دیگر نداشته باشد؟

۱۵- در کدام گزینه غلط املائی وجود دارد؟

- (۱) گفت در کار ما چه صواب بینی؟ ماهی خوار گفت: با صیاد مقاومت صورت نیندد و من در آن اشارتی نتوانم کرد، لکن در این نزدیکی آبیگری باصفا می دانم.
- (۲) او در این فکرت، روی به شهر آورد. از قضا، امیر آن شهر را وفات رسیده بود و مردم شهر به تعزیت مشغول بودند. او بر سبیل نظاره به سرای ملک رفت و به طرفی بنشست.
- (۳) چندان که اندک وقوفی افتاد و فضیلت آن بشناختم به رغبت صادق و حرص غالب در تعلیم آن می کوشیدم تا بدان صنعت شهرتی یافتم و در معرض معالجت بیماران آمدم.
- (۴) قدم اقدام بر تحصیل و تسهیل این مرام ثابت دار تا از اذلال دیو گمراهی در امان مانی.

۱۶- نقش دستوری همه واژه های مشخص شده به جز گزینه یکسان است.

- | | |
|-------------------------------|----------------------------|
| (۱) فروغ رویت اندازی سوی خاک | عجایب نقش ها سازی سوی خاک |
| (۲) الهی فضل خود را یار ما کن | ز رحمت یک نظر در کار ما کن |
| (۳) چون بگشایم ز سر مو شکن | ماه ببیند رخ خود را به من |
| (۴) راست به مانند یکی زلزله | داده تنش بر تن ساحل یله |

۱۷- نقش دستوری واژه مشخص شده در کدام گزینه نادرست آمده است؟

- | | |
|--|--|
| (۱) منم امروز و تو انگشت نمای زن و مرد | من به شیرین سخنی تو به نکویی مشهور (مسند) |
| (۲) فتاد اندر تن خاکی، ز ابر بخششت قطره | مدد فرما به فضل خویش تا این قطره یم گردد (مفعول) |
| (۳) چو ابر زلف تو پیرامن قمر می گشت | ز ابر دیده کنارم به اشک تر می گشت (نهاد) |
| (۴) باز آ و جان شیرین از من ستان به خدمت | دیگر چه برگ باشد درویش بی نوا را؟ (متمم) |

۱۸- در صورت مرتب کردن اجزای جملات بیت‌های زیر، واژگان کدام گزینه به ترتیب، کلمات آغازین جمله محسوب می‌شوند؟

- | | |
|--|--|
| الف) می‌کند پامال، تن، آخر دل آسوده را | می‌شود دامن کفن این پای خواب‌آلوده را |
| ب) جز پشیمانی ندارد حاصلی طول آمل | چند پیمایی مکرر ایمن ره پیموده را |
| ج) می‌کشد در حلقه فرمان به اندک فرصتی | گوشمال آسمان گوش سخن نشنوده را |
| د) دل چو شد غافل ز حق، فرمان‌پذیر تن شود | می‌برد هر جا که خواهد اسب، خواب‌آلوده را |
- (۱) تن، دامن، حاصلی، آسمان، دل، اسب
(۲) دل، کفن، این ره، گوشمال، غافل، هرجا
(۳) تن، دامن، طول، چند، گوشمال، چو، اسب
(۴) دل، دامن، حاصلی، گوش، فرمان‌پذیر، هرجا

۱۹- اجزای جملات همه ابیات به جز بیت گزینه به مرتب‌سازی نیاز دارد.

- | | |
|---|---------------------------------------|
| ۱) سخن عشق تو بی‌آن‌که برآید به زبانم | رنگ رخساره خبر می‌دهد از حال نهانم |
| ۲) گاه گویم که بنالیم ز پریشانی حالم | باز گویم که عیان است چه حاجت به بیانم |
| ۳) من در اندیشه آنم که روان بر تو فشانم | نه در اندیشه که خود را ز کمندت برهانم |
| ۴) من همان روز بگفتم که طریق تو گرفتم | که به جانان نرسم تا نرسد کار به جانم |

۲۰- اجزای جمله‌های کدام گزینه مرتب نیست؟

- | | |
|--|-----------------------------------|
| ۱) این بوی روح‌پرور از آن خوی دلبر است | وین آب زندگانی از آن حوض کوثر است |
| ۲) باز آن‌که در فراق تو چشم امیدوار | چون گوش روزه‌دار بر الله اکبر است |
| ۳) گفتیم عشق را به صبوری دوا کنیم | هر روز عشق بیشتر و صبر کم‌تر است |
| ۴) بوی بهشت می‌گذرد یا نسیم دوست | یا کاروان صبح که گیتی منور است؟ |

۲۱- در همه ابیات به جز بیت گزینه جابه‌جایی اجزای جمله صورت گرفته است.

- | | |
|---|---------------------------------|
| ۱) تو هم‌چنان دل شهری به غمزه‌ای ببری | که بندگان بنی‌سعد خوان یغما را |
| ۲) تو آن درخت‌گلی که اعتدال قامت تو | بببرد قیمت سرو بلندبالا را |
| ۳) من از تو پیش که نالم که در شریعت عشق | معاف دوست بدارند قتل عمدا را |
| ۴) دگر به هر چه تو گویی مخالفت نکنم | که بی تو عیش میسر نمی‌شود ما را |

۲۲- نقش دستوری واژه «راست» در ابیات زیر، به ترتیب در کدام گزینه درست آمده است؟

- | | |
|---|--|
| الف) سرو آزاد به بالای تو می‌ماند راست | لیکنش با تو میسر نشود رفتاری |
| ب) به تردستی نگردد راست چون دیوار مایل شد | عمارت چند خواهی کرد این فرسوده قالب را |
| ج) گل بخندید که از راست نرنجیم ولی | هیچ عاشق سخن سخت به معشوق نگفت |
| د) ای پیک راستان خبر یار ما بگو | احوال گل به بلبل دستان‌سرا بگو |
| ه) پیش قاضی آن دروغ این راست گفت | در حقیقت هرچه هرکس خواست گفت |
| و) جز عشق هر چه هست ضلال است و گمراهی | از بنده راه راست ز عشق است تا خدا |

- | | |
|---|---|
| ۱) قید، مسند، متمم، صفت، قید، مضاف‌الیه | ۲) صفت، مسند، متمم، مضاف‌الیه، مفعول، قید |
| ۳) صفت، قید، متمم، مضاف‌الیه، مفعول، مسند | ۴) قید، مسند، متمم، مضاف‌الیه، مفعول، صفت |

۲۳- در کدام گزینه نقش کلمات مشخص‌شده در مقابل بیت نادرست نوشته شده است؟

- | | |
|--|---|
| ۱) بهشت و حور می‌باشد مراد مردم از طاعت | ولی دیدار یار آمد بهشت جاودان ما (مضاف‌الیه - مسند) |
| ۲) با طلعت حبیب چه اندیشه از رقیب؟ | چون یار حاضر است ز اغیار غم مخور (صفت - متمم) |
| ۳) سگان در پرده پنهانند ای دوست | بین گر پاک مغزی بیش از این پوست (منادا - متمم) |
| ۴) وفاقی نیست در تیرش ولی در قصد من باری | چو جان با تن درآمیزد چو می با آب درسازد (نهاد - متمم) |

۲۴- نقش واژه مشخص شده در کدام گزینه با نقش واژه مشخص شده در بیت زیر یکسان است؟

- «گر قالب آدمی ز طین شد
 (۱) گفتم که ز خردی دل من نیست پدید
 (۲) گفتمش در دل من لات و منات است بسی
 (۳) مرا که در طلبش خضروار می گشتم
 (۴) وین تناول که کشید از غم هجران بلبل
- گنجینه عشق را امین شد
 اندوه بزرگ تو در او چون گنجید
 گفت این بتکده را زیر و زبر باید کرد
 چو آب حیوان ناگاه بود یافتنش
 تا سراپرده گل نعره زنان خواهد شد



۲۵- آرایه های بیت زیر در کدام گزینه آمده اند؟

- «به صد تلخی رخ از مردم نهفتی
 (۱) جناس ناهمسان، تشبیه، اغراق، تضاد
 (۳) حس آمیزی، تشبیه، مراعات نظیر، کنایه
- سخن شیرین جز از شیرین نگفتی
 (۲) تلمیح، حس آمیزی، تضاد، جناس همسان
 (۴) کنایه، تلمیح، اغراق، تضمین

۲۶- در کدام گزینه تشبیه به کار نرفته است؟

- (۱) چو موج آن کس که داد از کف عنان اختیار خود
 (۲) آه از زنگ کدورت پاک سازد سینه را
 (۳) سهل باشد سخن سخت که خوبان گویند
 (۴) گر مقبلی است گنج سعادت از آن اوست
- حمایل ساخت دست خویش را بر گردن دریا
 می شود روشن ز خاکستر سواد آینه را
 جور شیرین دهان تلخ نباشد بردن
 و مدبر است، رنج زیادت چه می بری؟

۲۷- در کدام گزینه تلمیح، تشبیه و کنایه به کار نرفته است؟

- (۱) دل ما سلطنت فقر به سامان ندهد
 (۲) اگر از چهره یوسف نفری کف ببریدند
 (۳) آدم مسکین به یک خامی که در فردوس کرد
 (۴) از کمند رشته عمر ابد سر می کشید
- ده ویرانه ما باج به سلطان ندهد
 تو دوصد یوسف جان را ز دل و عقل بریدی
 چاک شد چون دانه گندم دل اولاد او
 خضر اگر می یافت ذوق پیچ و تاب عشق را

۲۸- در کدام گزینه جناس به کار نرفته است؟

- (۱) حافظ از زلف تو حاشا که بگرداند روی
 (۲) فردا به جبرئیل ز حضرت ندا بود
 (۳) تکلیف سخت بر تو هم از دست تو است از آنک
 (۴) چیزی مگو که هست غرامت بر آن سخن
- من از آن روز که در بند توام آزادم
 کاین رانده را بخوان و آن خوانده را بران
 چون اسب سرکشد بهلندش فرو عنان
 کانی مکن که نیست جواهر در آن مکان

۲۹- در همه ابیات آرایه «تشخیص» به کار رفته است به استثنای بیت

- (۱) آن غنچه گل بین که همی نازد بر باد
 (۲) گفتم که ز خردی، دل من نیست پدید
 (۳) دل جزع کرد گفتم ای دل صبر
 (۴) روز از شب بشنید این و برآشت شگفت
- از خنده دزدیده، فرو بسته دهان را
 اندوه بزرگ تو در او چون گنجید
 این قضا از خدای عدل آمد
 خامشی کن، چه درآری سخن نامحکم؟

۳۰- آرایه تضاد در کدام گزینه وجود ندارد؟

- (۱) هم اول روز کان زلف سیاهم پیش چشم آمد
 (۲) درد می گردد دوا چون کامرانی می کند
 (۳) به فرصت می توان خصم سبکسر را ادب کردن
 (۴) اگر جان می رود گو رو، غمی نیست
- دل من زد که از وی شام گردد چاشتم روزی
 می کشی ناز طبیب و مت درمان چرا؟
 مدارا می کنم با عقل تا فصل بهار آید
 تو باقی مان که ما را با تو کار است

۳۱- آرایه‌های ذکرشده در مقابل کدام گزینه نادرست است؟

- | | |
|--|--|
| (۱) در هوای روی تو خون می‌چکاند از غزل | خسرو رنگین‌سخن، گر رنگ بازی زین سخن (حس آمیزی - کنایه) |
| (۲) چشمم که سرشک لاله‌گون آورده | وز هر مژه قطره‌های خون‌آلوده (تشبیه - اغراق) |
| (۳) صبر کن ای شیشه بر سنگ جفای محتسب | گردن این دشمن عشرت، خدا خواهد شکست (تشبیه - تضاد) |
| (۴) آن سوز و تعزیت همه با دست این نفس | نی رقص مانند ازان و نه زین نیز شیونی (تشخیص - تشبیه) |

۳۲- در همهٔ گزینه‌ها آرایهٔ «مجاز» به کار رفته است به استثنای گزینه

- | | |
|------------------------------------|-------------------------------|
| (۱) ز خون عدو گرد فتنه نشانی | به تیغت همه زنگ بدعت زدایی |
| (۲) ندیدم خوش‌تر از شعر تو «حافظ» | به قرآنی که اندر سینه داری |
| (۳) عادتشان بسختن و آویختن | خصلتشان کشتن و خون‌ریختن |
| (۴) تا یک نفس از حیات باقی است مرا | در سر هوس شراب و ساقی است مرا |

۳۳- در همهٔ گزینه‌ها به جز آرایهٔ «حس آمیزی» به کار رفته است.

- | | |
|---|---------------------------------------|
| (۱) نفس‌نفس اگر از باد نشنوم بویش | زمان زمان چو گل از غم کنم گریبان چاک |
| (۲) هرکه از میهن سخن گوید کلامش دلرباست | نغمه‌های بلبل این باغ رنگین‌تر بود |
| (۳) بی بصیرت چه شناسد سخن صائب را | تلخ و شیرین به مذاق دل‌رنجور یکی است |
| (۴) کی شعر تر انگیزد خاطر که حزین باشد؟ | یک نکته از این معنی گفتیم و همین باشد |

۳۴- کدام گزینه به ترتیب آرایه‌های «جناس، حس آمیزی، کنایه، تشبیه» را نشان می‌دهد؟

- | | |
|--|---|
| (الف) انداخت پیش ابر سپر، تیغ آفتاب | آن به که خصم را به مدارا ادب کنی |
| (ب) وان که گیسوی تو را رسم تطاول آموخت | هم تواند کرمش داد من غمگین داد |
| (ج) کاش اندک‌مایه نرمی در خطایش دیدمی | ور مرا عشقش به سختی کشت سهل است این قدر |
| (د) عیب توست از چشم‌گوهرین نداری ورنه ما | هریک اندر بحر معنی گوهر یک‌دانه‌ایم |

- (۱) الف، ج، د، ب (۲) الف، د، ج، ب (۳) ب، ج، الف، د (۴) ب، د، الف، ج

۳۵- آرایه‌های مقابل همهٔ ابیات به جز بیت گزینه درست آمده است.

- | | |
|---|--|
| (۱) سخن لطیف سعدی نه سخن که قند مصری | خجل است از این حلاوت که تو در کلام داری (حس آمیزی - تشخیص) |
| (۲) ناگوار از صحبت نیکان گوارا می‌شود | عیب تلخی را ز خلق خوش هنر سازد گلاب (تضاد - تشخیص) |
| (۳) ای ساریان آهسته رو با ناتوانان صبر کن | تو بار جانان می‌بری من بار هجران می‌برم (جناس همسان - تشبیه) |
| (۴) کمیت خامه (= قلم) شود لنگ، اولین منزل | که راه مدح تو را نیست حد و پایش (تشبیه - کنایه) |

۳۶- آرایه‌های مقابل کدام گزینه همگی درست نیست؟

- | | |
|---|---|
| (۱) چشمهٔ چشم مرا ای گل خندان دریاب | که به امید تو خوش آب روانی دارد (جناس - تشبیه) |
| (۲) چنان که باغ در آغوش گل نمی‌گنجد | شکيب در دل مدهوش گل نمی‌گنجد (مراعات‌نظیر - جان‌بخشی) |
| (۳) خنده‌رویان چمن سر در گریبان می‌کشند | در گلستانی که یار ما گریبان وا کند (کنایه - جناس همسان) |
| (۴) شادی مجلسیان در قدم و مقدم توست | جای غم باد مر آن دل که نخواهد شادان (جناس ناهمسان - تضاد) |

۳۷- آرایه‌های مقابل کدام گزینه درست آمده است؟

- | | |
|--|--|
| (۱) تا پرده ز رخسار چو ماه تو برافتاد | از پرده بسی راز نهانی به در افتاد (کنایه - جان‌بخشی) |
| (۲) نیکخواهان تو را تاج کرامت بر سر | بدسگالان تو را بند عقوبت در پای (تشبیه - کنایه) |
| (۳) چو حاتم به آزادگی سر نهاد | جوان را برآمد خروش از نهاد (جناس همسان - تشبیه) |
| (۴) دانا و میل صحبت نادان چه ممکن است؟ | موج گهر به خاک نیامیزد آب را (جناس - تضاد) |

۳۸- تعداد تشبیهات در همه گزینیه‌ها به جز یکسان است.

- (۱) حافظ از چشمه حکمت به کف آور جامی
- (۲) دوش دست طربم سلسله شوق تو بست
- (۳) شد سپر از دست عقل تا ز کمین عتاب
- (۴) سر مؤمن هست در دریای ایمان چون صدف

۳۹- ترتیب آرایه‌های «استعاره، جناس، حس آمیزی، اغراق، کنایه» در ابیات زیر کدام است؟

- (الف) لنگر بحر حوادث دل به دریا کردن است
- (ب) ابر چشم من چنین گر گوهرافشانی کند
- (ج) در دل شب می‌توان گل چید از گلزار فیض
- (د) اگرچه زیر هر سنگی چو خاقانی صدا بینی
- (ه) می‌زند سینه به دریا ز تهیدستی موج

- (۱) ه، الف، ج، د، ب (۲) الف، ج، د، ب، ه

۴۰- در کدام بیت، بیشترین تشبیه وجود دارد؟

- (۱) چون تو خورشیدی نتابیده است در ایوان حسن
- (۲) شب فراق که داند که تا سحر چند است
- (۳) سوزن فکرت شکست رشته طاق گسیخت
- (۴) آشفته سخن چو زلف جانان خوش‌تر

۴۱- واژه «سر» در کدام بیت مجاز نیست؟

- (۱) کار با عشق فتاد، از سرم ای عقل برو
- (۲) عذری بنه اول که تو درویشی و او را
- (۳) مگر که سر بدهم ور نه من ز سر نهم
- (۴) مشک با حلقه مویت سر سودا دارد

قلمرو فکری

۴۲- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- (۱) بدیعی که شخص آفریند ز گل
- (۲) جسم را از خاک قدرت نقش داد
- (۳) چندین سوابق از پی کام تو آفرید
- (۴) پس آن را که شخمس ز خاک آفرید

۴۳- مفهوم همه ابیات به جز بیت گزینۀ یکسان است.

- (۱) التفاتی به من بی‌سروسامان می‌کن
- (۲) من آنم به پای اندر افتاده پیر
- (۳) عفو کن بار خدایا تو گناهان مرا
- (۴) از لطف خویشتن نظری کن که از کرم

۴۴- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متناسب نیست؟

- (۱) دادار غیب‌دان و نگهدار آسمان
- (۲) ایـزد فریـادرس، داور دادآفرین
- (۳) خرد ار رزق خورد، رای تو هستش رزاق
- (۴) باری از او یاد کن که اوست به هر حال

(۴) ه، الف، ج، د، ب

(۳) الف، ه، د، ب، ج

(قارچ از کشور ۹۸)

(قارچ از کشور ۹۸)

ذره ای چون من نرقصیده است در میدان عشق
مگر کسی که به زندان عشق در بند است
بس که ز نو دوختم چاک گریبان دل
چون کار جهان بی سروسامان خوش‌تر

چه دهی و سوسه دیدم هنری نیست تو را
در مملکت حسن سر تاجوری بود
امید وصل در این ره چو پای بنهادم
کج خیالی است مگر مشک ختا را سوداست

روان و خرد بخشید و هوش و دل
روح را از آتشش و از بـیاد زاد
از تر و خشک عالم خاک آفریدگار
به قدرت در او جان پاک آفرید

به نگاهی ز ترخم نظری کن ناگاه
خدایا به فضل توام دست گیر
که مرا ز آتش خجلت جگری بریان است
بر رحمت تو ختم شود کار و بار من

رزاق بنده‌پرور و خلاق رهنما
رازق روزی‌رسان، خالق پروردگار
عدم ار خلق شود، حکم تو هستش خلاق
خالق و رزاق و حی و قـادر و باری

۴۵- همه ابیات به جز گزینه با هم قرابت مفهومی دارند.

نهان در جسم و پیدا در جهان است
در دل هر ذره خورشید نهان پیداست کیست؟
من شراب عشق گر پنهان و گر پیدا زخم
یکی باطن که ظاهرتر ز نور است

(۱) جهاننداری که پیدا و نهان است
(۲) آن که پنهان است از چشم کسان پیداست کیست؟
(۳) چون کنم پنهان که پنهانیش از پیدایی است
(۴) یکی ظاهر که باطن از ظهور است

۴۶- ابیات کدام گزینه با هم تناسب مفهومی دارند؟

زان که دارد حسن رویت جلوه‌های بی‌قیاس
تابنده گشت و کون و مکان سربه‌سر گرفت
سوی به سو جلوه‌گران خاسته
زان رو که جلوه‌های زخشی بی‌شمار بود
چون من نپرورانده گوهر هیچ معدنی

(الف) هر زمان نوعی نماید شاهد حسن جمال
(ب) بگشا نظر که نور تجلی حسن یار
(ج) جلوه‌گهی یافتم آراسسته
(د) هر دم جمال تازه نماید به عاشقان
(ه) چون من نکرده جلوه‌گری هیچ شاهی

(۴) ب، ه، الف

(۳) ب، ه، ج

(۲) الف، ب، د

(۱) الف، ج، د

۴۷- در همه گزینه‌ها به جز به تجلی خداوند در پدیده‌های آفرینش اشاره شده است.

در جلوه جمال تو رویت نهان شد
حیرت ما دلیل ما، جلوه تو گواه تو
پی تعظیم حسن یوسف مصری غلام آمد
که بر سواد شب تیره پرتو مصباح

(۱) حسن تو جلوه کرد و به عالم عیان شد
(۲) غیر تحیر از جمال، آینه را چه می‌رسد
(۳) جمال عالم‌آرای تو زد یک جلوه در عالم
(۴) فروغ روی تو بر جان چنان تجلی کرد

۴۸- همه گزینه‌ها به جز با بیت زیر تناسب مفهومی دارند.

بقین دانم که بی‌شک جان جانی
وز این معنی عبارات است قاصر
که از تشبیه و از وصف او برون است
عاجز بود عبارت و قاصر بود کلام
به عجز خویش در اول سخن شود قایل

«هر آن وصفی که گویم بیش از آنی
(۱) ز حد وهم بیرون شد صفاتش
(۲) نشاید وصف او گفتن که چون است
(۳) از وصف این عجایب و از شرح این عبر
(۴) زبان به وصف کمالت کسی که بگشاید

۴۹- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

چون عرق از شرم خون آید مرا
موج را سوزد نفس در بحر بی‌پایان تو
که در اندیشه اوصاف تو حیران بودم
خورشید با هزار زبان در ثنای صبح

(۱) وصف او در گفت چون آید مرا؟
(۲) گر شد از وصف تو عاجز کلک صائب دور نیست
(۳) نه فراموشیم از ذکر تو خاموش نشاند
(۴) صائب چگونه وصف نماید که قاصر است

۵۰- همه ابیات به جز بیت گزینه با هم تناسب مفهومی دارند.

این بدانسته‌ام که نادانم
به نادانی خویش اقرار دارم
به تو روشن شده این خسته‌جانم
که دانا به نادانی خود شدم

(۱) در تو و هستی تو حیرانم
(۲) خطا گفتم غلط کردم که در راه
(۳) ندانم تا چه نوری لیک دانم
(۴) بدین نکته دانا و بخرد شدم

۵۱- چند بیت از ابیات زیر با هم قرابت معنایی دارند؟

که جور و محنت خوبان ز وصف بیرون است
که عاجز اوقات اندر کف خاک
عاجز شود از نعمت تو دانای سخنور
ستاره بر در ایوان او به تحسین باد
وز نعت تو خیره شده هر چیره‌زبانی
چون عاجز است به که سخن مختصر کند

(الف) حکایت تو به تفسیر شرح نتوان کرد
(ب) کجا وصف تو داند کرد ادراک
(ج) حیران شود از وصف تو و صف سخن‌گوی
(د) زمانه در صف میدان او به توصیف است
(ه) از وصف تو عاجز شده هر پاک‌ضمیری
(و) ذاکر کجا و وصف جلال و جمال او

(۴) پنج

(۳) چهار

(۲) سه

(۱) دو

۵۲- مفهوم کلی مصراع اول و مصراع دوم بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟

- «گه به دهان برزده کف چون صدف
(۱) گه‌هی در آ، تیز و تند باشد
(۲) با درنگ او نبیند کس درنگ اندر زمین
(۳) جان ما افتان و خیزان می‌دود
(۴) گاه چون خاک می‌فتادستی

۵۳- مفهوم کدام بیت از دیگر ابیات دور است؟

- (۱) تکبر سربلندان را کند پست
(۲) بردباری و تواضع سپر آفت‌هاست
(۳) مغرور مشو به خود که اصل من و تو
(۴) دلی کز دولت وصل است مغرور

۵۴- مفهوم مقابل بیت زیر در همه گزینه‌ها به‌جز آمده است.

- «تاج سر گلبن و صحرا منم
بزرگ نیست کز افتادگی هراسان است
که خوش‌نماست شکستی که بر کلاه افتد
که نقش از بال مرغان سبک‌پرواز می‌ریزد
کلیم و قتم و افتادگی عصای من است

۵۵- کدام گزینه با سایر گزینه‌ها تناسب معنایی ندارد؟

- (۱) به نام کردگار هفت افلاک
(۲) ز خاک آدمی کرد و از نار دیو
(۳) به خاک بر مرو ای آدمی به کشی و ناز
(۴) ز بوی جره‌ای کافتاد بر خاک

۵۶- کدام بیت با بیت زیر قرابت معنایی دقیق‌تری دارد؟

- «هر آن وصفی که گویم بیش از آنی
(۱) وصفش نتوان گفت به هفتاد مجلد
(۲) قآنیا برآور دست دعا که وصفش
(۳) وصف جودش نتوان کرد که ممکن نبود
(۴) وصف حسنت نتوان گفت به صد شرح و بیان

۵۷- هیچ گزینه‌ای به‌جز گزینه با مفهوم بیت زیر در یک راستا نیست.

- «چو در وقت بهار آیی پدیدار
(۱) شد هستی بی‌پرده حجاب عدم ما
(۲) قماش چهره یار از بهار معلوم است
(۳) نگاران بهشتی را نقاب از چهره بگشاید
(۴) هر برگ از بهار دگر گیرد آب و رنگ

۵۸- بیت زیر و بیت موارد از نظر مفهوم هم‌خوانی دارند.

- «تویی رزاق هر پیدا و پنهان
(الف) از در بخش‌ندگی و بنده‌نوازی
(ب) می‌دهد روزی من ابر بهاران ز گهر
(ج) ای کریمی که از خزانه غیب
(د) ماه را روزی رسد از خوان مهر

(۴) الف، د

(۳) ب، د

(۲) ب، ج

(۱) الف، ج

۵۹- همه گزینه‌ها به استثنای گزینه با بیت زیر قرابت معنایی دارند.

تاج سر گلبن و صحرا منم
منم در دیور تو یکتا بمانده
که چون منی به کف آرد مگر به جان کندن
خاصه از گپ زدن بیهوده بی‌بصران
دارم از ایمن هر دو گهر برتری

کیست کند با چو منی همسری؟
یکتایی من بود به عالم مشهور
با تو، از روی مهت شرمنده باد
که خاک بر سر آن کس که خاک پای تو نبود
مور در خاک فرو رفت سلیمان چونسنت؟

عبث توقع رزق از زمینیان داری
این متاع بنده و ملک خداست
لب بازکردنت در توفیق بستن است
که گردن کج کنی چون خوشه، پیش خوشه چین اینجا

بر غیر چه خندی چو تو خود بدتر ز آنی
گر ظریفی عیب خود را عرضه غماز ده
عیب خود می‌پوشد از چشم خلاق عیب‌پوش
عیب‌جویان را به عیب خویشتن گویا مکن

از دزد پاس دار کلید خزانه را
در جهاد دشمن سرکش، مَدارا آتش است
سگ دیوانه محال است نگهبان گردد
سگ درنده اسیر قلاده می‌باید

جهان در زر گرفتش محتشم‌وار
دولت این ملک سخن راست بس
کسی کاو راستگو شد محتشم‌گشت
دروغی را چه باید خرج کردن

چهل و غفلت زاید آن را دان حرام
آن بُود آورده از کسبِ حلال
میل خدمت، عزم رفتن آن جهان
می حرام بود روزی حلال مرا

گفت: در این معرکه یکتا منم

(۱) منم پنهان منم حیران بمانده
(۲) هزار سال فلک جان کند نشیب و فراز
(۳) نفس من برتر از آن است که مجروح شود
(۴) من نه ز جنس بشرم نه پری

۶۰- مفهوم مقابل بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟
«در بن ایمن پرده نیلوفری»

(۱) امروز منم به زور بازو مغرور
(۲) گر زبند خورشید لاف همسری
(۳) چو خاک می‌شوم آن به که خاک پای تو باشم
(۴) پست شد خسرو مسکین به لگدکوب فراق

۶۱- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

(۱) برات رزق تو بر آسمان نوشته خدای
(۲) رزق خود را از زمین بردن رواست
(۳) روزی طلب ز درگه حق کن که پیش خلق
(۴) مگر غافل شدی کز خرمن چرخ است رزق تو؟

۶۲- مفهوم همه ابیات یکسان است؛ به جز:

(۱) چون خود همه عیبی چه کنی عیب کسان فاش
(۲) می‌توان غماز عیب مردمان بود ای ظریف
(۳) پرده مردم دریدن پرده عیب خود است
(۴) نیستی چون اهل معنی، لب به دعوی وا مکن

۶۳- همه ابیات با هم تناسب مفهومی دارند؛ به جز:

(۱) دل را مده عنان تصرف به دست نفس
(۲) رحم، بی‌رحمی است چون با نفس باشد کارزار
(۳) نفس سرکش چه خیال است به فرمان گردد
(۴) عنان نفس ز کف دادن از بصیرت نیست

۶۴- کدام گزینه با سایر گزینه‌ها قرابت مفهومی ندارد؟

(۱) چو صبح صادق آمد راست‌گفتار
(۲) صدرنشین تر ز سخن نیست کس
(۳) ز کزگویی سخن را قدر کم‌گشت
(۴) چو بتوان راستی را درج کردن

۶۵- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات یکسان نیست؟

(۱) چون ز لقمه تو حسد بینی و دام
(۲) لقمه‌ای کاو نور افزود و کمال
(۳) زاید از لقمه حلال اندر دهان
(۴) چنین که لقمه غم در گلو من گره است



۶۶- معنای چند واژه نادرست است؟

(ضایع: تباه)، (نهاد: طینت)، (مستغنی: نیازمند)، (تیمار: غم)، (غبطه: رشک بردن)، (نموده: ارائه کرده)، (عامل: کارگر)، (قربان: شگفتی)

یک (۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴)

۶۷- در همه ابیات به جز بیت گزینۀ واژه «داد» در دو معنای متفاوت به کار رفته است.

- | | |
|--------------------------------------|--------------------------------|
| ۱) سعدی که داد وصف همه نیکوان بداد | عاجز بماند در تو زبان فصاحتش |
| ۲) مرا گر بگیری به انصاف و داد | بنالم که عفووم نه این وعده داد |
| ۳) جانت نمادهست جز به داد در این بند | داد خداوند را ممدار بیـــــداد |
| ۴) داد خواهـــــم، اگر بخواهی داد | خواهـــــم از آه صبحگاهی داد |

۶۸- در همه گزینۀ ها به جز واژه های مشخص شده، معنای متفاوتی دارند.

- | | |
|---|-----------------------------------|
| ۱) ز دست خوب رویان داد خواهم | الهی داد از این سنین دلان داد |
| ۲) تشریف داد و باز اساس طرب نهاد | ای صدهزار رحمت حق بر نهاد عید |
| ۳) تا کام معاندان روا ســـــازد | بسپرده به کام گرگ حرمانم |
| ۴) بماند در شـــــکن گیسوی تو دل، هشدار | که آتش دل خسرو بدان شـــــکن نرسد |

۶۹- در کدام بیت غلط املایی وجود دارد؟

- | | |
|--|-----------------------------------|
| ۱) مجال صبر کجا باشدم چو در حق من | زمانه بر سر باطل نماید این اصرار |
| ۲) از بامداد روی تو دیدن ماست | امروز روی خوب تو یارب چه دل ریاست |
| ۳) جفا مکن که بزرگان به خورده ای ز رهی | چنین سبک نشینند و سرگردان ای دوست |
| ۴) جانها ز دام زلف چو بر خاک می فشاند | بر آن غریب ما چه گذشت ای صبا |

۷۰- زمان افعال در همه گزینۀ ها به جز یکسان است.

- | | |
|--|--------------------------------------|
| ۱) زهد پیدا کفر پنهان بود چندین روزگار | پرده از سر برگرفتیم آن همه تزویر را |
| ۲) اگر دشنام فرمایی وگر نفرین دعا گویم | جواب تلخ می زبید لب لعل شکرخا را |
| ۳) چون کمان در بازو آرد سرو قد سیم تن | آرزویم می کند کاماج باشم تیر را |
| ۴) اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را | به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را |

۷۱- نقش دستوری واژگان مشخص شده در کدام بیت، نادرست آمده است؟

- | | |
|------------------------------------|--|
| ۱) ننگرد دیگر به سرو اندر چمن | هر که دید آن سرو سیم اندام را (قید - مفعول) |
| ۲) ز جور کوبک طالع سحرگهان چشمم | چنان گریست که ناهید دید و مه دانست (صفت - نهاد) |
| ۳) به ناز اگر بخرامی جهان خراب کنی | به خون خسته اگر تشنه ای هلا ای دوست (صفت - مسند) |
| ۴) ابنای روزگار به صحرا روند و باغ | صحرا و باغ زنده دلان کوی دلبر است (متمم - مضاف الیه) |

۷۲- در متن زیر به ترتیب چند مفعول به کار رفته است؟

«عوامل سبک ساز اثر ممکن است حتی برای متخصصان هم روشن و شناخته نباشد. چه بسیار کسانی که می پنداشتند شعرشان چون شعر سعدی یا حافظ است، اما در باطن شعر این بزرگان یعنی در ژرف ساخت آن اشعار، عوامل مکرری است که منجر به یکنواختی سبک شده است و رعایت نکردنشان هر گونه تقلید را مواجه با شکست کرده است.»

یک (۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴)

۷۳- در کدام گزینه زمان افعال ذکرشده به ترتیب در مقابل آن‌ها نادرست است؟

- | | |
|---|--|
| (۱) گر کسی درد دلی گوید تو را از حال خویش | گوش با درد دل آن عاجز دل‌ریش کن (مضارع التزامی - امر) |
| (۲) می‌وزد از چمن نسیم بهشت | هان بنوشید دم به دم می ناب (مضارع اخباری - مضارع التزامی) |
| (۳) درویش نمی‌پرسی و ترسم که نباشد | اندیشه آموزش و پروای ثوابت (مضارع اخباری - مضارع التزامی منفی) |
| (۴) نرفته‌ام ز خیالی که می‌پزد دل من | خمار صدشبه دارم شرابخانه کجاست؟ (ماضی نقلی - مضارع اخباری) |

۷۴- در کدام گزینه حذف فعل به قرینه لفظی صورت گرفته است؟

- | | |
|--|---|
| (۱) زان که هم‌چون او نمداری رهبری | رهبر عطار آمد سروری |
| (۲) نرگش عربده جوی و لبش افسوس‌کنان | نیم‌شب دوش به بالین من آمد بنشست |
| (۳) صحن‌بستان ذوق‌بخش و صحبت‌یاران خوش‌است | وقت‌گل خوش بادکز وی وقت می‌خواران خوش‌است |
| (۴) ناگشوده گل نقاب، آهنگ رحلت ساز کرد | ناله کن بلبل که گلبانگ دل‌افکاران خوش‌است |

۷۵- با توجه به متن زیر کدام گزینه نادرست است؟

- «دلش از غم و درماندگی فشرده شد. هیچ‌کس نبود به کمکش بیاید؛ هیچ‌کس. جلوی چشم‌های غم‌زده‌اش دیوار مانند دیو ایستاده بود. و با او به اخم نگاه می‌کرد. همان‌طور که با ترس و لرز به دیوار نگاه می‌کرد، با خود گفت: آره، مثل دیو است، درست مثل دیو است.»
- (۱) زمان‌های مضارع التزامی و ماضی بعید به کار رفته است.
(۲) گروه اسمی «هیچ‌کس» و «مثل دیو» مسند هستند.
(۳) واژه «دیوار» در دو نقش نهادی و متممی به کار رفته است.
(۴) واژه «درست» نقش قیدی دارد.

۷۶- با توجه به متن زیر کدام گزینه نادرست است؟

- «بالای پله‌ها ایستاده بود و بر نگاه می‌کرد اما چیزی دستگیرش نمی‌شد. چشم‌های خواب‌آلود و حیرت‌زده خود را باز کرده و محو تماشا شده بود. همه چیز پیش چشم‌هایش عوض شده بود؛ بهمن، پسر همسایه، توی حیاط خودشان دور باغچه می‌گشت و با آب‌پاش کوچک گل‌ها را آب می‌داد.»
- (۱) زمان همه افعال جمله‌های متن «ماضی بعید» و «ماضی استمراری» است.
(۲) واژه‌های «چشم‌ها» و «آب» دارای نقش دستوری مفعول هستند.
(۳) واژه‌های «همه»، «خواب‌آلود» و «حیرت‌زده» صفت هستند.
(۴) واژه «بر و بر» قید و ترکیب «دور باغچه» مسند است.
- ۷۷- در همه ابیات به جز حذف فعل صورت گرفته است.

- | | |
|---|-------------------------------------|
| (۱) به چشمانت که گرچه دوری از چشم | دل از یاد تو یک دم نیست خالی |
| (۲) گفتم به آسمان که چنین ماه دیده‌ای | سوگند خورد و گفت مرا نیست هیچ یاد |
| (۳) افسوس که چون نخل خزان دیده در این باغ | دستی نفشانندیم و سبک‌بار نگشتیم |
| (۴) هر غزل نامه‌ای است صورت حالی در او | نامه نوشتن چه سود چون نرسد سوی دوست |

۷۸- در کدام گزینه نوع حذف فعل متفاوت است؟

- | | |
|--|--------------------------------------|
| (۱) روی تو خوش می‌نماید آینه ما | کاینه پاکیزه است و روی تو زیبا |
| (۲) تو را چه غم که یکی در غمت به جان آید | که دوستان تو چندان که می‌کشی بیش‌اند |
| (۳) تو در کمند من آیی؟ کدام دولت و بخت | من از تو روی بیچم؟ کدام صبر و قرار |
| (۴) چشم بد دور کز آن تفرقه‌ات باز آورد | طالع نامور و دولت مادرزاد |

۷۹- در کدام بیت، حذف فعل وجود ندارد؟

- | | |
|--|--|
| (۱) گر بر وجود عاشق صادق نهند تیغ | گوید بکش که مال سبیل است و جان فدا |
| (۲) تو چه ارمغانی آری که به دوستان فرستی | چه از این به ارمغانی که تو خوشتن بیایی |
| (۳) گوش بر ناله بلبل کن و بلبل بگذار | تا نگوید سخن از سعدی شیرازی به |
| (۴) هرگز آن دل‌بنمیرد که تو جانش باشی | نیکبخت آن که تو در هر دو جهانش باشی |

(ریاضی ۹۸)



۸۰- کدام گزینه آرایه‌های «جناس همسان، تشبیه، جناس ناهمسان، حس آمیزی، کنایه» را به ترتیب در ابیات زیر نشان می‌دهد؟

الف) چو بر ولایت دل دست یافت لشکر عشق
 ب) همه را هست همین داغ محبت که مراست
 ج) گر من از چشم همه خلق بیفتم سهل است
 د) دلکش بخوان کزان لب شیرین نوای شور
 ه) سخن که نیست در او درد، تیغ بی‌آب است

به دست باش که هر بامداد یغمایی است
 که نه مستم من و در دور تو هشیاری هست
 تو مپندار که مخدول تو را ناصر نیست
 شور دگر برآورد از جان ناخوشم
 زبان خویش بشو صائب از نصیحت خشک

۱) الف، د، ب، ه، ج ۲) د، الف، ب، ه، ج ۳) ب، الف، ه، ج، د ۴) د، ج، ب، ه، الف

۸۱- آرایه‌های مقابل همه ابیات به جز بیت گزیده درست آمده است.

۱) در تن خاکی چه بال و پر گشاید جان پاک
 ۲) چو رد از سخن سخت دشمنان مخروش
 ۳) این منم یافته مقصود و مراد دل خویش
 ۴) قطره گردد گوهر غلتان در آغوش صدف

در سفال تشنه چون نشو و نما ریحان کند
 ز حرف سخت، دل دوستان خود مخراش
 از حوادث شده بیگانه و با دولت خویش
 دل تپد در سینه دائم سیر دریا کرده را

(کنایه - تشخیص)
 (جناس - حس آمیزی)
 (تضاد - جناس همسان)
 (تشخیص - تشبیه)

۸۲- ترتیب آرایه‌های «کنایه، تضاد، جناس، جان بخشی، تشبیه» در ابیات زیر کدام است؟

الف) نغمه‌ها بسیار بود اما ز جهل مستمع
 ب) ز سنگ تفرقه خواهی که منحنی نشوی
 ج) عدو چون تیغ کشد من سپر بیندازم
 د) در نمی‌گیرد نیاز و ناز ما با حسن دوست
 ه) چمن حکایت اردیبهشت می‌گوید

هر قدر بی‌پرده شد در پرده‌های ساز ماند
 مشو به‌سان ترازو تو در پی کم و بیش
 که تیغ ما به‌جز از ناله‌ای و آهی نیست
 خرم آن کز نازنینان بخت برخوردار داشت
 نه عاقل است که نسیمه خرید و نقد بهشت

۱) ج، د، الف، ه، ب ۲) الف، ب، ج، ه، د ۳) ج، ب، د، ه، الف ۴) ب، ه، ج، د، الف

۸۳- کدام گزینه آرایه‌های بیت زیر را به درستی نشان می‌دهد؟

«سرشک من که ز طوفان نوح دست برد

۱) ایهام، جناس، تلمیح، استعاره، کنایه
 ۳) کنایه، اغراق، تلمیح، تشبیه، نغمه حروف

۸۴- کدام گزینه آرایه‌های بیت زیر را نشان می‌دهد؟

«گرچه دائم در شکستم بود چشم شور خلق
 ۱) تضاد، ایهام، جناس ناهمسان، نغمه حروف
 ۳) تشبیه، مجاز، کنایه، حس آمیزی

شور من نگذاشت در عالم نمکدانی درست»
 ۲) کنایه، جناس همسان، ایهام تناسب، واج آرایی
 ۴) متناقض‌نما، استعاره، جناس همسان، ایهام تناسب

۸۵- ترتیب آرایه‌های «استعاره، حس آمیزی، ایهام تناسب، اغراق، تلمیح، جناس همسان» در کدام گزینه درست است؟

الف) گفته‌ای دادی بخواه از غمزه خونریز ما
 ب) بر رهگذرت بسته‌ام از دیده دو صد جوی
 ج) من از آن حسن روزافزون که یوسف داشت دانستم
 د) ز حرف سرد ناصح گرمی عاشق نگردد کم
 ه) مجمع خوبی و لطف است عذار چو مهش
 و) نغمه‌ها بسیار بود اما ز جهل مستمع

گوسفند کشتنی چون خواهد از قصاب داد
 تا بو که تو چون سرو خرامان به درآیی
 که عشق از پرده عصمت برون آرد زلیخا را
 نیندازد ز جوش خویشتن سیلاب دریا را
 لیکنش مهر و وفا نیست خدایا بدش
 هر قدر بی‌پرده شد در پرده‌های ساز ماند

۱) الف، ه، و، د، ب، ج ۲) د، ه، و، ج، ب، الف ۳) ب، د، ه، ج، الف، و ۴) الف، د، ه، ب، ج، و

۸۶- آرایه‌های مقابل همه ابیات به جز بیت گزینه تماماً درست است.

- | | |
|---------------------------------------|--|
| (۱) گرچه دارد چشمه خورشید آب روشنی | در عرق روی بتان را آب و تاب دیگر است (استعاره - تشبیه) |
| (۲) بردهام غنچه‌صفت سر به گریبان صائب | جز دل امیدگشایش ز دری نیست مرا (کنایه - جناس) |
| (۳) قطره گردد گوهر غلتان در آغوش صدف | دل تپد در سینه دائم سیر دریا کرده را (تشخیص - ایهام) |
| (۴) ز رنگ حرف، بوی غنچه راز نهان یابم | پریشان‌خاطری را از سر زلف سخن بینم (مجاز - حس‌آمیزی) |

۸۷- آرایه‌های بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟

«نصیب زاهد از بحر حقیقت شد کف خالی»

- | | |
|--------------------------------------|--|
| (۱) ایهام تناسب، تشخیص، تشبیه، کنایه | (۲) استعاره، کنایه، ایهام تناسب، مراعات‌نظیر |
| (۳) جناس، ایهام، تشبیه، استعاره | (۴) کنایه، تشبیه، ایهام، مجاز |

۸۸- در کدام گزینه آرایه تشبیه بیشتر است؟

- | | |
|--|--|
| (۱) تا ماند قضا بر سر من افسر عشق | در بحر دلم ساخت نهان گوهر عشق |
| (۲) از شربت لعل لب‌ت درد دلم را کن دوا | در تاب و تب جان‌های ما در نار هجران تا به چند؟ |
| (۳) رشته صبرم به مقراض غمت بریده شد | هم‌چنان در آتش مهر تو سوزانم چو شمع |
| (۴) مرغ دل کاو طایر بستان‌سرای عشق شد | همدم بلبل‌نویان گلستان تو باد |

۸۹- در کدام گزینه حس‌آمیزی به کار رفته است؟

- | | |
|---|--------------------------------------|
| (۱) در غمزه جادوی او نیرنگ رنگارنگ بین | در طبع خاقانی کنون سودای گوناگون نگر |
| (۲) چه مقصود از چه بسیاری دودیدیم | که از مقصود خود بویی ندیدیم |
| (۳) که ما را فزون‌ی خرد داد و شرم | جوانم‌ردی و داد و آواز نـــــــرم |
| (۴) این قوم سخن‌ساز که هستند در این دور | سخت است سخن از لب پیمانه نساژند |

۹۰- در کدام گزینه، «جناس، تلمیح و چهار تشبیه» به کار رفته است؟

- | | |
|-----------------------------------|---------------------------------|
| (۱) تو موسی عهد و کسری وقت | خضم تو چو سامری و مزدک |
| (۲) ایوب‌وار سوخته در آتش بلا | یعقوب‌وار ساخته در کلبه خزن |
| (۳) اگر ابروی تو محراب نمازم گردد | کعبه پروانه‌صفت گردد نیازم گردد |
| (۴) زاغان چو ابابیل برآیند ز بالا | تو ابرهه و معبد ما بیت حرام است |

۹۱- در کدام گزینه نام اثری از «جمال میرصادقی» ذکر شده است؟

- | | |
|--|--------------------------------------|
| (۱) خون در دلم ز غیرت آن گوشواره است | عالم سیاه در نظرم زان ستاره است |
| (۲) از خاک درگهت به مکانی رسیده‌ایم | کامروز عرش را همه رشک از مکان ماست |
| (۳) حیات و مرگ خود چون حاصل افسانه می‌بینم | شبم بیدار دارد روزها در خوابم اندازد |
| (۴) تا مرا نقش رویش آشنایی اوفتاد | هرچه می‌بینم به چشمم نقش دیوار آمدست |

(ریاضی ۹۸)

۹۲- ترتیب آرایه‌های «استعاره، تشبیه، پارادوکس و حسن تعلیل» در ابیات زیر کدام است؟

- | | |
|--|--------------------------------|
| (الف) دلم به پیش تو می‌خواست جان فرستادن | ولی کبوتر جان را نبود قوت بال |
| (ب) ز میوه گرچه در این بوستان سبکباریم | همان چو سرو به آزادگی گرفتاریم |
| (ج) مگر ای زلف ز حال دلم آگه شده‌ای | که پراکنده و شوریده و سرگردانی |
| (د) خواهم اندر پایش افتادن چو گوی | ور به چوگانم زند هیچش مگوی |

- | | | | |
|------------------|------------------|------------------|------------------|
| (۱) الف، ب، د، ج | (۲) الف، د، ب، ج | (۳) ج، د، ب، الف | (۴) د، ب، الف، ج |
|------------------|------------------|------------------|------------------|

قلمرو فکری

۹۳- مفهوم کدام بیت با عبارت زیر قرابت ندارد؟

«تا توانی از نیکی کردن میاسا و خود را به نیکی و نیکوکاری به مردم نمای.»

- (۱) همان با نفس نیکی می‌کنم هرچند می‌دانم
- (۲) به فضل و احسان دیوان شدند خادم جَم
- (۳) به نیکی کوش چون منصور حلاج
- (۴) نیکی کن، ای پسر تو، که نیکی به روزگار

۹۴- مفهوم کدام گزینه از سایر گزینه‌ها دور است؟

- (۱) ظاهرآرایی است کز تعمیر باطن غافل است
- (۲) کفر و دین روشن‌ضمیران را نمی‌سازد دودل
- (۳) سعی کن چون عارفان در پاکی باطن، که نیست
- (۴) ای که چون غنچه دلی دارم از اندوه تو تنگ

۹۵- همهٔ ابیات به‌جز بیت گزیده با هم ارتباط معنایی دارند.

- (۱) دگر ز اهل ریا تات جان بود بگریز
- (۲) حال باطن را قیاس از حال ظاهر می‌کند
- (۳) تـو آن گندم‌نمای جو فروشی
- (۴) ظاهر چو بازبیدی و باطن چو بوله‌ب

۹۶- کدام بیت با عبارت زیر قرابت مفهومی ندارد؟

«و اندر همه‌کاری داد از خویشتن بده، که هر که داد از خویشتن بدهد، از داور مستغنی باشد.»

- (۱) ز گوش پنبه برون آر و داد خلق بده
- (۲) به داد و عدل بود خسروی نه به طبل و کلاه
- (۳) سرآمد گرچه در انصاف دادن روزگار من
- (۴) هیچ میزانی در این بازار چون انصاف نیست

۹۷- کدام گزینه با عبارت «اگر غم و شادی‌ات بود، به آن کس گوی که او تیمار غم و شادی تو دارد.» ارتباط مفهومی دارد؟

- (۱) اظهار درد دل بر دلدار چون کنم
- (۲) گفتم اظهار غم عشق بر یار کنم
- (۳) گر هزارت غم بود با کس نگویی زینهار
- (۴) غم و غمخوار به اندازهٔ هم می‌باشند

۹۸- کدام بیت با عبارت «هر شادی که بازگشت آن به غم است، آن را شادی مشمر.» ارتباط مفهومی ندارد؟

- (۱) از آن شادی که غم زاید چه خواهی؟
- (۲) رهاکن غم که دنیا غم نیززد
- (۳) از جهان شادی بی‌غم چه توقع دارید؟
- (۴) ز پی شادی و غم دارد غم و شادی، چرا خود را

۹۹- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- (۱) امید من به خاموشی یکی ده گشت تا دیدم
- (۲) آسایش است رنج کشیدن به بوی آنک
- (۳) هزار قاصد اگر ناامید برگردد
- (۴) ماه غرض از مطلع امید برآید

۱۰۰- کدام گزینه با عبارت «به وقت نومییدی، امیدوارتر باش و نومییدی را در امید بسته دان.» تناسب معنایی ندارد؟

- (۱) به ناامیدی از امید کامیاب شدم
- (۲) ندارم با کمال ناامیدی موج بی‌تابی
- (۳) به نومییدی مده تن گرچه در کام نهنگ افی
- (۴) دوران ناامیدی سر حلقه امید است

۱۰۱- کدام گزینه با عبارت «رنج هیچ‌کس ضایع مکن و همه‌کس را به‌سزا، حق‌شناس باش.» ارتباط مفهومی ندارد؟

- (۱) گر حقوق آشنایی را رعایت می‌کنی
- (۲) خواهی که قبول حق بود خدمت تو
- (۳) حقوق مردمی منظور افتاده است صائب را
- (۴) زود بگیرد نمک، دیده آن‌کس که او

۱۰۲- همه گزینه‌ها به‌استثنای با عبارت «از آموختن، ننگ مدار تا از ننگ رسته باشی.» قرابت مفهومی دارند.

- (۱) ز نور علم صائب شود از روز روشن‌تر
- (۲) کسی که گنج درون آکند به گوهر علم
- (۳) آموختن توان ز یکی خویش صد ادب
- (۴) علم سرمایه هستی است، نه گنج زر و مال

۱۰۳- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- (۱) گرچه با هر کس کنی نیکی، نمی‌بینی زیان
- (۲) به احسان دولت دنیای فانی می‌شود باقی
- (۳) هر سبک‌دستی که در فصل بهار زندگی
- (۴) ضرورت است که نیک کند کسی که شناخت

۱۰۴- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- (۱) ظلم می‌سازد زبان عیب‌جویان را دراز
- (۲) نام شاهان را نسازد محو، دور روزگار
- (۳) جلوه عدل است در چشم ستمگر ظلم را
- (۴) طاق کسری با زمین هموار شد، وز فیض عدل

۱۰۵- مفهوم مقابل عبارت «اگر غم و شادی‌ات بود به آن کس گوی که او تیمار غم و شادی تو دارد» در کدام گزینه بیان شده است؟

- (۱) غم کجا از سینه بی‌غمخوار می‌آید بیرون؟
- (۲) به جان دوست که چون دوست در برم باشد
- (۳) می‌نگنجد در جهان جانم ز شادی و نشاط
- (۴) دردها می‌شود اکثر ز طبیبان افزون

۱۰۶- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات یکسان نیست؟

- (۱) صبح امیدی که پنهان است در دل‌های شب
- (۲) به کیش مردم بیداردل کفر است نومییدی
- (۳) چند باید بود زحمت‌پرور ناز امید
- (۴) به نومییدی مده سر رشته امید را از کف

۱۰۷- کدام گزینه با پیام عبارت «گندم‌نمای جوفروش نباش» هم‌خوانی ندارد؟

- (۱) وقت آن است که ما رو به خرابات نهیم
- (۲) ندارم چون به حال صدق تا کی
- (۳) فعلی که عشق، باطن آن را صواب دید
- (۴) دست بگسل «جامیا» از رشته تسبیح زرق

- چند بر زرق و ریا نام مناجات نهیم؟
- ز زهد آیینیه تزویر سازم؟
- در ظاهر از خطاست برو ارتکاب کن
- زانکه نتوان صید مقصودی گرفتن زین کمند

۱۰۸- مفهوم کدام بیت با عبارت زیر هم خوانی دارد؟

«و به هر نیک و بد زود شادان و زود اندوهگین مشو که این فعل کودکان باشد»

ما که از اقبال و از ادبیار فارغ گشته‌ایم
شادی‌افزای چو جان و چو جوانی غم‌گاه
که گاهی شاد و گاه اندوهگین است
غمگین شوم چو باز براندیشم از فنا

(انسانی ۹۸)

دولت و محنت نماند شادی و غم بگذرد
پسته را خون می‌شود دل تا لبی خندان کند
زود می‌آیند و زود می‌گذرند
که عمر را عوض و وقت را قضایی هست

(هنر ۹۸)

زود آیند و زود می‌گذرند
آن کنم با تو که باران با چمن
روزگاری است که این آمده و آن رفته است
نوبت دل شادی است امروز سلمان غم مخور
که صلح او همه هزل است و جنگ او باد است

۱) سایهٔ بال هما و جغد پیش ما یکی است
۲) عرصه‌ای دیدم چون جان و جوانی به خوشی
۳) دلم چون مسکن او شد از این است
۴) از عمر شادگردم از بهر نام و ننگ

۱۰۹- مفهوم همهٔ ابیات یکسان است؛ به جز

۱) صبر کن ای دل که آخر رنج تو هم بگذرد
۲) دامن شادی چو غم آسان نمی‌آید به دست
۳) شاد و بی‌غم بزی که شادی و غم
۴) به عیش کوش و مپندار همچو ناهلان

۱۱۰- بیت زیر با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟

«شاد و بی‌غم بزی که شادی و غم
۱) شاد باش و فارغ و ایمن که من
۲) تا غمت آمده از خانهٔ دل جان رفته است
۳) روزگار غصه و دوران آمده درگذشت
۴) به صلح و جنگ جهان هیچ اعتماد مکن

- نهادن و قرار دادن ➡ شماره‌گذار
گذارن ➡ تأسیس کردن ➡ بنیان‌گذار
رها کردن و اجازه دادن ➡ بگذار

۱۵ ۴ غلط املایی و شکل درست آن:

اذلال ➡ ازال (لغزائیدن، هم‌ریشه با زلزله)
واژه «خود» مضاف‌الیه است، اما سایر واژه‌های مشخص‌شده نقش «مفعولی» دارند.

۱۷ ۲ «قطره» نهاد جمله است.

۱۸ ۳ بازگردانی ابیات:

(الف) تن آخر (سرانجام) دل آسوده را پامال می‌کند. دامن کفن این پای خواب‌آلود می‌شود.
(ب) طول امل حاصلی جز پشیمانی ندارد. چند مکرر این ره پیموده را می‌پیمایی؟
(ج) گوشمال آسمان به اندک فرصتی گوش سخن‌نشوده را در حلقه فرمان می‌کشد.
(د) چو (وقتی‌که) دل ز حق غافل شد، فرمان‌پذیر تن شود. اسب خواب‌آلوده را هر جا که خواهد می‌برد.

۱۹ ۳ بازگردانی سایر گزینه‌ها:

(۱) بی‌آن‌که سخن عشق تو به زبانم برآید، رنگ رخساره از حال نهانم خبر می‌دهد.
(۲) گاه می‌گویم که از پریشانی حال، بنالم، باز می‌گویم که عیان است به بیانم چه حاجت است.
(۴) من همان روز که طریق تو گرفتم، گفتم که تا کار به جانم نرسد، به جانان نرسم.

۲۰ ۲

باز آکه چشم امیدوار در فراق تو / چون گوش روزه‌دار بر الله اکبر است
در پایان مصراع دوم، فعل «ببرند» به قرینه حذف شده است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) تو آن درخت گلی که اعتدال قامت تو قیمت سرو بلندبالا را ببرد.
(۳) من از تو پیش که نالم که در شریعت عشق، قتلِ عمدای دوست را معاف بدارند.
(۴) دگر به هرچه تو گویی مخالفت نکنم که عیش، بی‌تو ما را (برای ما) میسر نمی‌شود.

۲۲ ۴ نقش دستوری در ابیات:

(الف) راست در معنای «عیناً، دقیقاً» قید است.
(ب) همراه با فعل اسنادی آمده و مسند است.
(ج) بعد از حرف اضافه آمده و متمم است.
(د) صفتِ جانشین اسم (انسان‌های درستکار) و مضاف‌الیه است.
(ه) با توجه به فعل «گفت»، واژه «راست» مفعول است.
(و) «راه» موصوف و «راست» صفت آن است.

۲۳ ۲ بررسی گزینه‌ها:

(۱) بهشت و حور مراد مردم از طاعت می‌باشد ولی دیدار یار بهشت جاودان
ما آمد (شد). مضاف‌الیه
(۲) با طلعت حبیب از رقیب چه اندیشه‌ای است؟
صفت پرسشی چون یار حاضر است ز اغیار غم مخور
نهاد

۱ ۱ معنی درست واژه:

زهی: آفرین

۲ ۳ معنای درست واژه‌ها:

عطّار: داروفروش - عطر فروش

شوق: میل خاطر - رغبت - آرزومندی

۳ ۲ افلاک: آسمان‌ها / نظر: توجّه، عنایت / نهان: مخفی / رزّاق: بسیار روزی‌دهنده

۴ ۳ معنای درست واژه‌ها:

تابناک: روشن / خجلی: خجالت‌زده بودن، شرمندگی

در معنای واژه‌ها باید دقت کنیم:

(الف) اگر واژه‌ای مفرد است و جمع معنا شده غلط است.

(ب) اگر واژه‌ای صفت است و اسم معنا شده غلط است.

(ج) اگر واژه‌ای اسم است و صفت معنا شده غلط است.

۵ ۱ بن: ریشه، عمق / خیره: لجوج، بیهوده، سرگشته، حیران، فرومانده /

زهره‌در: هولناک، ترسناک، موحش / ورطه: مهلکه، زمین پست، هلاکت

۶ ۲ راست: مقابل دروغ، بر حق، حقیقت، واقعی

در بیت صورت سؤال و سایر گزینه‌ها:

عیناً، به عینه، دقیقاً

۷ ۳ مفهوم واژه «همسری» در گزینه (۳) «زناشویی» و در سایر گزینه‌ها به معنای «برابری» است.

۸ ۲ مفهوم واژه «یله» در بیت گزینه (۲) «کج و خمیده» و در سایر

ابیات «آزاد و رها» است.

۹ ۳ معنای درست واژه:

پیرایه: زیور، زینت

۱۰ ۴ بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) شوق و اشتیاق (۲) علاقه و تعلق (۳) زلزله و تزلزل

۱۱ ۲ املاي درست واژه‌ها:

هلال ➡ حلال / منصوب ➡ منسوب

۱۲ ۴ قصه (مصراع اول) ➡ غصه

۱۳ ۱ برخاست - برازندگی - نمط

۱۴ ۴ بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) بیافتادیم ➡ بیفتادیم (غلط رسم‌الخطی)

واژه‌هایی چون: بیفتاد، بیفروزد، بینگارد، بیندیشد و ... بدون (ا) نوشته می‌شوند.

(۲) بهر ➡ بحر

(۳) گزارد (دوم) ➡ گذارد

انجام دادن: شکرگزار ➡ گزاردن

ادا کردن: حج‌گزار ➡ گزاردن

تعبیر کردن: خواب‌گزار ➡ گزاردن

بیان کردن: خبرگزار ➡ گزاردن

۳) سگان در پرده پنهان هستند ای دوست
منادا

اگر پاک مغز هستی بیش از این پوست را ببین.

۴) وفاقی در تیرش نیست ولی در قصد من باری
نهاد

چو جان با تن درآمیزد چو می با آب درسازد.
متمم

۲۴) ۱) امین در صورت سؤال نقش مسند دارد. (امین گنجینه عشق شد).

بررسی گزینه‌ها:

۱) پدید + مسند

۲) است + به معنای «وجود دارد» است و لات و منات + نهاد است.

۳) می‌گشتم + به معنای جست و جو می‌کردم و مسند نمی‌پذیرد.

خضروار + قید

۴) شد + به معنای «رفت» است و اسنادی نیست و «نعره‌زنان» قید است.

۲۵) ۲) تلمیح: اشاره به داستان خسرو و شیرین / حس‌آمیزی: سخن

شیرین (آمیختن دو حس شنوایی و چشایی) با تلخی رخ نهفتن از مردم /

تضاد: تلخ و شیرین / جناس تام (همسان): شیرین (جذاب و دلپذیر)، شیرین

(بانوی ارمنی)

۲۶) ۳) بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) چو موج (تشبیه کس به موج) / عنان اختیار + تشبیه

۲) زنگ کدورت (تشبیه کدورت به زنگ)

۴) گنج سعادت (اضافه تشبیهی)

۲۷) ۱) بررسی گزینه‌ها:

۱) تشبیه + سلطنت فقر

۲) تلمیح به داستان حضرت یوسف (ع) / یوسف جان + تشبیه / جان را

بریدن + کنایه از جدا کردن

۳) تلمیح به داستان حضرت آدم (ع) / چون دانه گندم + تشبیه /

خامی و چاک شدن دل + کنایه از بی‌تجربگی و رنج دیدن

۴) کمند رشته عمر + تشبیه / تلمیح به داستان حضرت خضر / از کمند

سر کشیدن + کنایه از نافرمانی

۲۸) ۲) بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) روی - روز

۳) دست - است / است و اسب

۴) مَکَن و مکان - مکان / آن - کان (ی در «کانی» حساب نمی‌شود)

۲۹) ۲) بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) نازیدن غنچه + تشخیص / خندیدن غنچه + تشخیص

۳) جزع کردن دل + تشخیص / ای دل + تشخیص

۴) روز از شب شنید + تشخیص / روز شنید، برآشت + تشخیص

۳۰) ۳) بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) شام - روز / شام - چاشت

۲) درد - دوا

۴) رو - مان / است - نیست

۳۱) ۴) بررسی گزینه‌ها:

۱) رنگین سخن + حس‌آمیزی / رنگ باختن + کنایه

۲) سرشک لاله‌گون + تشبیه / خون‌آلود بودن اشک + اغراق

۳) سنگ جفا + تشبیه / شیشه و سنگ + تضاد

۴) دست نفس + تشخیص / تشبیه ندارد.

۳۲) ۳) بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) خون + مجاز از کشتن / تیغ: مجازاً مبارزه است.

۲) سینه + مجاز از دل یا کل وجود

۴) سر + مجاز از فکر / ساقی: مجازاً محبوب

نقد: هر چند که پایه همه کنایه‌ها مجاز است، اما کنکور کنایه را مجاز نمی‌داند.

مثال: خون + ریخت + کنایه است نه مجاز

نیم‌نگاه: مجاز: به‌کار رفتن واژه‌ای است در غیر معنی حقیقی خود به شرط وجود

علاقه و قرینه

مثال: مسابقه فوتبال بین ایران و کره برگزار شد.

که در مثال بالا: مقصود از ایران و کره تیم فوتبال ایران و کره است.

علاقه: پیوند و تناسبی است که میان حقیقت و مجاز وجود دارد.

قرینه: نشانه‌ای است که ذهن را از حقیقت باز می‌دارد.

علاق مجاز بسیار زیاد است و ما در این جا به چند مورد اشاره می‌کنیم:

۱) جزئیته: آوردن جزء و اراده کل: مثال: که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را

مجاز از انگشتر

۲) کلیه: آوردن کل و اراده جزء: بیامد که جوید ز ایران نبرد.

لشکر ایران

۳) محلیه: آوردن ظرف و اراده مظلوف: پیایی بکش جام و سرگرم باش

شراب

نقد: گاهی مظلوف آورده می‌شود و ظرف اراده می‌شود.

مثال: گل در بر و می در کف

جام

۴) آلیه: آوردن ابزار امری به جای واژه اصلی

مثال: از دست و زبان که برآید

اعمال گفتار

۵) آوردن سبب امری به جای واژه اصلی: گر من از دوست بنالم نفسم

مجاز از سخن

صادق نیست

۶) لازمیته: آوردن لازمه امری به جای واژه اصلی: محتاج قصه نیست گرت

قصه خون ماست

کشتن

۷) علاقه شباهت: واژه‌ای را به مناسبت شباهت به جای واژه دیگری به کار برند:

مثال: نوکس او که طبیب دل بیمار من است.

چشم

۳۳) ۳) بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) شنیدن بو (آمیختن دو حس شنوایی و بویایی)

۲) رنگین بودن نغمه (آمیختن دو حس شنوایی و بینایی)

۴) تر بودن شعر (آمیختن دو حس لامسه و شنوایی)

- (۳) سر / وجود / سر / فکر و اندیشه
- (۴) سر / قصد و اندیشه
- ۴۲ (۳) خداوند برای کامروایی انسان نعمت‌های گوناگونی آفریده است.
مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:
- خداوند انسان را از خاک آفریده است.
- ۴۳ (۳) طلب آموزش گناهان شاعر از خداوند
مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:
- فضل و رحمت و بخشش خداوند
- ۴۴ (۳) وابسته دانستن خرد و آفرینش به اندیشه و حکم ممدوح خود
از نظر شاعر
مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:
- اشاره به صفات رزاقیت و خلاقیت خداوند
- ۴۵ (۳) اشاره به پنهان نماندن عشق از نظر شاعر
مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:
- اشاره به آشکار و در تجلی بودن وجود خداوند در عین پنهان بودن
- ۴۶ (۲) تجلی وجود خداوند در پدیده‌های آفرینش است، اما بیت «ج» در توصیف زیبایی یک منظره و بیت «ه» در بیان خودشیفتگی شاعر است.
پرداختن شاعر به توصیف زیبایی چهره یار و تأثیر او بر روح و جان خود
مفهوم مشترک سایر ابیات:
- نمایان بودن جلوه‌های جمال خداوند در پدیده‌های آفرینش
- ۴۸ (۳) ناتوانی شاعر از شرح و توصیف عجایب و پندهای روزگار
مفهوم بیت سؤال و سایر گزینه‌ها:
- اشاره به وصف‌ناپذیری ذات پروردگار
- ۴۹ (۴) اشاره شاعر به وصف‌ناپذیری زیبایی و عظمت صبح
مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:
- ناتوانی شاعر از توصیف عظمت خداوند
- ۵۰ (۳) اظهار عجز شاعر در شناختن خداوند و اعتقاد شاعر به ارزشمند ساختن وجود خود به وسیله نور الهی
مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:
- اقرار به نادانی انسان
- ۵۱ (۳) در ابیات «ب، ج، ه، و» بر ناتوانی انسان در توصیف خداوند تأکید شده است.
مفهوم سایر ابیات:
- الف) شکایت عاشق از جور و ستم زیبارویان یا معشوق
- د) زیاده‌روی در توصیف و ستایش ممدوح
- ۵۲ (۴) شاعر در مصراع اول صورت سؤال، به حرکت‌گند و در مصراع دوم به حرکت سریع چشمه اشاره کرده است و همین مفاهیم (کندی و تندی حرکت) به ترتیب در دو مصراع بیت‌گزینۀ (۴) بیان شده است.
بررسی سایر گزینه‌ها:
- (۱) توصیف آزمندی و کامجویی مخاطب
- (۲) زیاده‌روی شاعر در توصیف وقار و سرعت عمل ممدوح
- (۳) وصف سیر و تلاش شتاب‌زده و نامتعادل روح انسان

- ۳۴ (۳) الف) کنایه: سیر انداختن (تسلیم شدن)
ب) جناس: داد (انصاف و حق) داد (بخشید)
ج) حس‌آمیزی: خطاب (گفتار) نرم
د) تشبیه: ما گوهر یکدانه هستیم یا بحر معنی (اضافۀ تشبیهی)
- ۳۵ (۳) واژه‌های «بار» در یک معنا به کار رفته‌اند و جناس تام ندارند. / تشبیه: بار هجران
بررسی سایر گزینه‌ها:
- (۱) حس‌آمیزی: لطیف بودن سخن (آمیختن دو حس لامسه و شنوایی) / تشخیص: خجل شدن قند مصری
- (۲) تضاد: عیب و هنر، ناگوار و گوارا / تشخیص: خوش‌خلق بودن گلاب
- (۴) کنایه: لنگ بودن کمیت (ضعف و ناتوانی) / تشبیه: راه مدح
- ۳۶ (۳) در این بیت جناس همسان (تام) به کار رفته است و واژه «گریبان» تکرار شده است. کنایه: سر در گریبان کشیدن (عزلت گرفتن)
بررسی سایر گزینه‌ها:
- (۱) جناس: چشمه و چشم / تشبیه: چشمه چشم (اضافۀ تشبیهی)
- (۲) مراعات‌نظیر: گل و باغ / جان‌بخشی: آغوش گل و دل مدهوش گل
- (۴) جناس ناهمسان (ناقص): قدم و مقدم / تضاد: شادی و غم
- ۳۷ (۲) تشبیه: تاج کرامت و بند عقوبت (هر دو اضافه تشبیهی) / کنایه: بند در پا بودن (گرفتاری و بدبختی) و تاج بر سر داشتن (خوشبختی و سعادت)
بررسی سایر گزینه‌ها:
- (۱) کنایه: پرده از رخسار افتادن (آشکار شدن) یا راز از پرده به در افتادن (فاش شدن راز) / آرایه جان‌بخشی ندارد.
- (۳) جناس همسان: نهاد (گذاشت)، نهاد (سرشت و وجود) / آرایه تشبیه ندارد.
- (۴) تضاد: دانا و نادان، آب و خاک / آرایه جناس ندارد.
- ۳۸ (۴) بررسی گزینه‌ها:
- (۱) چشمه حکمت / لوح دل / نقش جهالت (۳ مورد)
- (۲) سلسله شوق / خیل خرد / لشکر غم (۳ مورد)
- (۳) کمین عتاب / تیغ جفا / موی چون زره (۳ مورد)
- (۴) سر مؤمن چون صدف / دریای ایمان (۲ مورد)
- ۳۹ (۳) استعاره: «دریا» در مصراع دوم استعاره از «حوادث» (بیت الف) / جناس: شست، است (بیت ه) / حس‌آمیزی: دیدن صدا (بیت د) / اغراق: پدیدآمدن گرداب از اشک چشمان شاعر (بیت ب) / کنایه: «گل‌چیدن» کنایه از بهره بردن (بیت ج)
- ۴۰ (۱) تشبیهات در ابیات گزینه‌ها:
- (۱) چون تو خورشیدی - ایوان حسن - ذره‌ای چون من - میدان عشق (۴ مورد)
- (۲) زندان عشق (۱ مورد)
- (۳) سوزن فکرت - رشته طاق (۲ مورد)
- (۴) چو زلف جانان - چون کار جهان (۲ مورد)
- ۴۱ (۱) در گزینه (۱) واژه «سر» در معنای حقیقی، دانسته شده است.
بررسی سایر گزینه‌ها:
- (۲) سر / قصد و اندیشه

۵۳ ۴ اشاره به ناپایداری روزگار وصال

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

نکوهش غرور و تکبر و توصیه به تواضع و فروتنی

۵۴ ۳ در بیت صورت سؤال، مفهوم غرور و خودستایی دریافت می‌شود،

اما مفهوم مقابل آن؛ یعنی تواضع و فروتنی و افتادگی (دوری از تکبر) در ابیات گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) بیان شده است. در بیت گزینه (۳) شاعر با وجود درماندگی و ناتوانی آرزوهای دور و درازی در سر دارد.

۵۵ ۳ گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) به خلقت انسان از خاک اشاره دارند،

ولی گزینه (۳) اشاره به حتمی بودن مرگ و ناپایداری دنیا دارد.

۵۶ ۲ مفهوم بیت سؤال و گزینه (۲) ناتوانی از توصیف خداوند است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) شاعر از ناتوانی از وصف پیامبر (ص) سخن می‌گوید.

(۳) ناتوانی از توصیف جود و بخشش است.

(۴) ناتوانی از توصیف حسن یار است.

۵۷ ۲ مفهوم بیت سؤال و گزینه (۲) آشکار شدن چهره یار با فرارسیدن

بهار است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) نکوهش هستی و جسم که همچون حجاب است.

(۳) اوست که چهره زیبارویان بهشتی و عروسان بهاری را آشکار می‌کند.

(۴) سرخی چهره یار از اشک خونین اوست.

۵۸ ۱ مفهوم بیت سؤال و موارد (الف) و (ج) روزی‌رسان بودن خداوند است.

(ب) علت روزی یافتن داشتن دهانی پاک چون صدف است.

(د) علت روشن بودن ماه، لطف و احسان خورشید است.

۵۹ ۱ مفهوم بیت سؤال و گزینه‌های (۲)، (۳) و (۴) غرور و تکبر و

خودبرتربینی است.

مفهوم گزینه (۱): شاعر خود را پنهان و حیران در درگاه یار می‌بیند. (یکتا:

به معنای تنها است)

۶۰ ۳ مفهوم بیت سؤال غرور و خودبرتربینی است و مفهوم مقابل آن

تواضع و فروتنی است و این مفهوم در گزینه (۳) تکرار شده است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) غرور و خودبرتربینی

(۲) تأکید بر بی‌نظیر بودن ممدوح

(۴) تأکید بر سختی فراق و بی‌توجهی معشوق به عاشق

۶۱ ۲ مفهوم مشترک ابیات مرتبط: ضرورت طلب روزی از درگاه حق، نه

از خلق خدا

مفهوم بیت گزینه «۲»: بهره بردن از نعمت‌های خداوند و روزی مقرر که حق

برای بندگان در نظر گرفته است.

۶۲ ۴ مفهوم مشترک ابیات مرتبط: توصیه به عیب‌پوشی

مفهوم بیت گزینه «۴»: چون از دانایی بی‌بهره هستی، مدعی مباش تا مورد سرزنش عیب‌جویان واقع نشوی.

۶۳ ۳ مفهوم مشترک ابیات مرتبط: ضرورت مبارزه با هوای نفسانی و

مراقبت از نفس سرکش و شیطانی

مفهوم بیت گزینه «۳»: ناممکن دانستن مهار نفس اماره

۶۴ ۲ مفهوم مشترک ابیات مرتبط: تأکید بر راستگویی و پرهیز از دروغ

مفهوم بیت گزینه «۲»: بیان جایگاه والای سخن و سخنوری

۶۵ ۴ مفهوم مشترک ابیات مرتبط: تأکید بر کسب روزی حلال و

تأثیرات مثبت آن و توصیه به پرهیز از روزی و مال حرام

مفهوم بیت گزینه «۴»: علاج غم و اندوه، نوشیدن باده است.

۶۶ ۲ معنی درست واژه‌ها:

مستغنی: بی‌نیاز

قرباب: خویشی، خویشاوندی

۶۷ ۳ داد: عدل و انصاف

در سایر گزینه‌ها:

۱ حق و انصاف ۲ عطا کرد، بخشید

۶۸ ۴ واژه «شکن» در هر دو مصراع در معنای «پیچ و خم زلف» به کار

رفته است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ به ترتیب: انصاف و فریاد

۲ به ترتیب: قرار داد (گذاشت) و سرشت

۳ به ترتیب: آرزو و دهان

۶۹ ۳ غلط املائی و شکل درست آن:

خورده خُرده

۷۰ ۱ زمان افعال گزینه (۱) (بود و برگرفتیم) ماضی، اما زمان افعال سایر

گزینه‌ها مضارع است.

۷۱ ۳ «خسته» به‌عنوان صفت جانشین اسم، «مضاف‌الیه» است و برای

«خون» صفت محسوب نمی‌شود.

۷۲ ۲ جمله بعد از «پنداشتند» - تقلید (۲مورد)

۷۳ ۲ بنوشید فعل امر

نکته در دستور زبان فارسی امروز «مضارع ساده» وجود ندارد و مضارع

ساده در جایگاه مضارع اخباری و مضارع التزامی به کار می‌رود.

۷۴ ۳ فعل «است» در مصراع اول حذف شده است: صحن بوستان

ذوق‌بخش [است]

۷۵ ۲ فعل «نبود» در معنای «وجود نداشت به کار رفته است و

«هیچ‌کس» نهاد جمله محسوب می‌شود نه مسند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) مضارع التزامی: بیاید - ماضی بعید: ایستاده بود
(۳) دیوار ایستاده بود (دیوار: نهاد) - به دیوار نگاه می‌کرد (دیوار: متمم)
(۴) در جمله «[دیوار] درست مثل دیو است» درست نقش قیدی دارد.
۷۶ ۴ فعل «می‌گشت» در معنای «می‌چرخید» به کار رفته است و ترکیب «دور باغچه»، «مسند» به حساب نمی‌آید و دارای نقش «متمم» است.

۷۷ ۲ فعل‌های حذف شده در سایر گزینه‌ها:

- (۱) به چشمانت [سوگند می‌خورم] که ...
(۳) افسوس [می‌خوریم] که ...
(۴) چه سود [دارد] ...
۷۸ ۱ در گزینه (۱) فعل به قرینه لفظی حذف شده اما در سایر گزینه‌ها حذف فعل به قرینه معنایی است.

بررسی گزینه‌ها:

- (۱) که آینه پاکیزه است و روی تو زیبا [است]
(۲) تو را چه غم [است] که یکی ...
(۳) کدام دولت و بخت [است] یا وجود دارد] ... کدام صبر و قرار [است] یا وجود دارد]
(۴) چشم بد دور [باد = باشد] که طالع نامور و دولت مادرزاد است از آن ...

- ۷۹ ۳ در مصراع دوم، بعد از واژه «به» حذف فعل وجود ندارد. شکل مرتب مصراع: «تا به از سعدی شیرازی سخن نگوید»

بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) حذف فعل به قرینه لفظی در پایان مصراع دوم: جان فدا [است].
(۲) حذف فعل به قرینه معنایی در مصراع دوم: چه ارمغانی از این به [است] که ...
(۴) حذف فعل به قرینه معنایی در مصراع دوم: آن که تو هر دو جهانش باشی نیک‌بخت [است].

- ۸۰ ۲ الف تشبیه: ولایت دل، لشکر عشق

- ب) جناس ناهمسان: هست و مست، در و دور
ج) کنایه: از چشم خلق افتادن (بی‌اعتبار شدن)
د) جناس همسان: شور (نام دستگاهی در موسیقی)، شور (هیجان)
ه) حس آمیزی: نصیحت خشک

- ۸۱ ۴ تشخیص: آغوش صدف / آرایه تشبیه ندارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) کنایه: بال و پر گشودن (پرواز کردن) / تشخیص: تشنه بودن سفال
(۲) جناس: مخروش و مخراش / حس آمیزی: سخن سخت
(۳) تضاد: بیگانه و خویش / جناس همسان: خویش (خود) و خویش (خویشاوند)

- ۸۲ ۱ الف جناس: پرده (حجاب) پرده (نغمه و آهنگ)

- ب) تشبیه: سنگ تفرقه/ به سان ترازو

- ج) کنایه: سپر انداختن (تسلیم شدن)

- د) تضاد: نیاز، ناز

- ه) جان‌بخشی: حکایت گفتن چمن

- ۸۳ ۳ کنایه: «دست بردن» کنایه از پیشی گرفتن و غلبه کردن

- اغراق: بیشتر بودن اشک شاعر از طوفان نوح (ع)

- تلمیح: اشاره به داستان طوفان حضرت نوح (ع)

- تشبیه: لوح سینه، نقش مهر (اضافه تشبیهی)

- نغمه حروف: تکرار واج «س» و «ش»

- ۸۴ ۲ کنایه: «چشم شور» کنایه از چشم بد که زود اثر کند / جناس

- همسان: شور (مزه شور یا «بد» به عنوان صفت چشم) شور (هیجان و اشتیاق) /

- ایهام تناسب: «شور» در مصراع دوم: ۱ اشتیاق و شیفتگی (معنای مورد نظر)

- ۲ مزه شور که با نمکدان تناسب دارد. / واج آرای: تکرار واج «ش»

- ۸۵ ۴ الف استعاره: غمزه خون‌ریز (خون‌ریز بودن غمزه: تشخیص واستعاره)

- ب) اغراق: جاری شدن اشک فراوان (دویست جوی) از دیده شاعر

- ج) تلمیح: اشاره به داستان حضرت یوسف (ماه مصر)

- د) حس آمیزی: حرف سرد

- ه) ایهام تناسب: مهر ۱ عشق و محبت (معنای مورد نظر) ۲ خورشید

- که با مه (ماه) تناسب دارد.

- و) جناس تام (همسان): پرده (حجاب و پوشش)، پرده (نغمه و آهنگ)

- ۸۶ ۳ تشخیص: آغوش صدف (اضافه استعاری) / ایهام: ندارد

بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) استعاره: «بتان» استعاره از زیبارویان / تشبیه: چشمه خورشید (اضافه تشبیهی)
(۲) کنایه: «سر به گریبان بردن» کنایه از «به اندیشه فرو رفتن و غمگین بودن» / جناس: سر، در

- (۴) مجاز: «حرف» مجاز از «سخن» / حس آمیزی: رنگ داشتن سخن

- ۸۷ ۴ کنایه: «سبک‌مغزی» کنایه از نادانی / خالی ماندن کف (دست) کنایه

- از بی‌نصیب ماندن / تشبیه: بحر حقیقت (اضافه تشبیهی) / ایهام: کف ۱ کف

- روی آب دریا ۲ کف دست (دست) / مجاز: «کف» مجاز از «دست»

۸۸ ۳ بررسی گزینه‌ها:

- (۱) افسر عشق / بحر دل / گوهر عشق (سه مورد)

- (۲) لعل لب / نار هجران (دو مورد)

- (۳) رشته صبر / مقراض غم / آتش مهر / چو شمع (چهار مورد)

- (۴) مرغ دل / بستان‌سرای عشق / دل به طایر (سه مورد)

۸۹ ۴ بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) نیرنگ رنگارنگ (۲) دیدن بو (۳) آواز نرم

نیرنگ

- حس آمیزی: آوردن لغات مربوط به حس‌های مختلف کنار هم را گویند.

- ۹۰ مثال جواب تلخ می‌زبید لب لعل شکرخارا

- حس شنوایی + حس چشایی

- ۹۱ مثال اگر برای چیزی که حس ندارد حس قائل شویم، باز هم حس آمیزی است.

- ۹۲ مثال آسمان فریبی آبی‌رنگ شد.

- فریب ۱ حس ندارد و ما برای آن حس بینایی را قائل شده‌ایم

- ۹۳ مثال باغی از رنگینی گفتار دارم دیدنی

- حس بینایی + حس شنوایی

۹۰ بررسی گزینه‌ها:

- (۱) تلمیح ➡ داستان حضرت موسی (ع) و سامری / مزدک و کسری / تشبیه: موسی عهد و کسری وقت / چو سامری و مزدک / جناس ندارد.
- (۲) تلمیح ➡ داستان حضرت ایوب (ع) و حضرت یعقوب (ع) / جناس ➡ سوخته - ساخته / تشبیه: ایوب وار - یعقوب وار - آتش بلا - کلبه خزن
- (۳) تشبیه ➡ ابرویه محراب / پروانه صفت ➡ تشبیه / جناس ➡ گردد - گردد
- (۴) تشبیه ➡ زاغان ➡ چو ابابیل / تو ابرهه / معبد به بیت حرام تشبیه شده / تلمیح به داستان ابرهه
- ۹۱ نام کتاب جمال میرصادقی «دیوار» است که در بیت گزینه (۴) آمده است.

۹۲ الف) استعاره: جان بخشی به دل، تشخیص و استعاره است.

د) تشبیه: من به گوی

ب) پارادوکس: گرفتاری در عین آزادگی

ج) حسن تعلیل: علت پراکندگی، شوریدگی و سرگردانی زلف، آگاهی آن از دل عاشق دانسته شده.

۹۳ نیکی و مدارا با نفس به امید اصلاح و هدایت آن.

مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها:

توصیه به نیکوکاری

۹۴ اعتقاد شاعر به مردن نشدن عارفان واقعی در مواجه شدن با کفر و دین

بررسی سایر گزینه‌ها:

پرهیز از ریاکاری و دورویی

۹۵ اشاره شاعر به دوربینی و بصیرت خود

بررسی سایر گزینه‌ها:

نکوهش ریاکاری و دورویی

۹۶ اشاره شاعر به انصاف خود و بی‌انصافی دیگران

مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها:

تأکید بر رعایت حق و انصاف در حق دیگران؛ زیرا فرد عادل و منصف از بازخواست قاضی عالم (خداوند) در امان است.

۹۷ مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه (۳): بیان غم یا شادی خود تنها نزد غمخوار واقعی

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) نباید با بیان دردهای خود، نزد معشوق، موجب آزار و ناراحتی او شد.

(۲) گریه مانع آن شد که غم عشق را با یار در میان بگذارم.

(۴) از نظر عارفان غم و شادی دنیا ارزش یکسانی دارند؛ زیرا هر دو از جانب یار (پروردگار) است.

۹۸ اشاره شاعر به درهم آمیختگی غم و شادی دنیا

مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها:

بی‌اعتباری و ناپایداری غم و شادی دنیا

۹۹ شاعر امید خود به سکوت را موجب سامان یافتن کارش دانسته

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

بیان امیدواری و گشایش در کار

۱۰۰ آرامش داشتن شاعر با وجود ناامیدی

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

امیدواری در وقت ناامیدی

۱۰۱ شاعر دلیل چشم‌پوشی نکردن خود را از معشوق، پابندی به حقوق انسان‌ها می‌داند.

مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها:

سفارش به حق‌شناسی و پرهیز از ناسپاسی

۱۰۲ تأثیرگذاری افراد خوب بر دیگران

مفهوم مشترک عبارت سؤال و سایر گزینه‌ها:

توصیه به آموختن و کسب دانش

۱۰۳ توصیه به احسان نسبت به افرادی که شایسته نیکی کردن هستند.

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

توصیه به احسان و نیکی کردن در حق همه افراد

۱۰۴ عدل پنداشتن ظلم از جانب ستمگر (ستمگر ظلم خود را انصاف و عدل می‌پندارد).

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

ستایش دادگری و عدالت

۱۰۵ مفهوم عبارت سؤال: در میان گذاشتن غم و شادی خود با غمخوار /

مفهوم مقابل عبارت سؤال: بیهوده دانستن اظهار غم نزد دوست و غمخوار

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) از بین نرفتن غم و اندوه بدون وجود غمخوار

(۲) بیم نداشتن از دشمن با وجود دوست و غمخوار

(۳) خوشایند دانستن غم عشق یار

۱۰۶ خوشایند دانستن ناامیدی

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها:

دعوت به امیدواری در شرایط ناامیدی

۱۰۷ پیام عبارت سؤال: نکوهش تظاهر و ریاکاری است و این مفاهیم در گزینه‌های (۱)، (۲) و (۴) تکرار شده است.

مفهوم گزینه (۳): بی‌توجهی به ظاهر و توجه به باطن

۱۰۸ مفهوم عبارت سؤال: سختی و خوشی‌های جهان ناپایدار است و نباید به آن‌ها دل بست.

مفهوم گزینه (۱): شاعر می‌گوید که سایه هما (پرنده خوش‌بختی) و جغد (پرنده بدبختی) در نظرش یکسان است و به آن‌ها بی‌توجه است.

۱۰۹ مفهوم گزینه (۲): دشواری فراهم شدن شرایط خوشی و شادمانی

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: ناپایداری غم و شادی و به طور کلی احوال روزگار، و توصیه به خوش‌باشی

۱۱۰ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۴): گذران بودن احوال جهان

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) دل‌گرمی دادن به مخاطب (هر که هست، بدون اشاره به اصل ماجرا در مثنوی معنوی) و آوردن مژده جان‌بخشی و نشاط‌آفرینی